

## معرفی‌های اجمالی

دانشمندان و بزرگان اصفهان، ارمغان اصفهان، تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، بیان المفاخر، خاندان شیخ الاسلام اصفهان، یادنامه بحر العلوم میردامادی، زندگی‌نامه علامه مجلسی، سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، اعلام اصفهان و مزارات اصفهان.

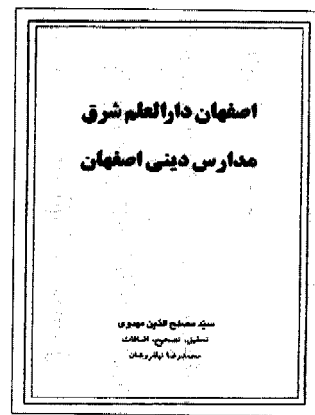
او برای نخستین بار یادداشت‌های خود درباره مدارس اصفهان را به صورت مقاله‌ای با عنوان «اصفهان یا دارالعلم شرقی: فهرست اجمالی مدارس دینی اصفهان»، در مجموعه مقالات محیط ادب (تهران: یغما، چاپ اول، ۱۳۵۷، ص ۹۴ - ۱۱۱) انتشار داد؛ سپس این مقاله را تکمیل کرد و به صورت کتابی درآورد، ولی اجل برای چاپ آن مهلتش نداد؛ با این حال، کتاب او به همان صورت دستنویس مورد مراجعه پژوهشگران و اصفهان‌پژوهان بود تا اینکه اکنون پس از سالیانی که از درگذشت مؤلف می‌گذرد، به صورت کتاب منتشر شده است.

اطلاعات این کتاب بسیار ارزشمند و بی‌نظیر است؛ به این معنی که در این زمینه، تا کنون اثری به جز کتاب حاضر به چاپ نرسیده است. در مجموع، ۱۸۵ مدرسه دینی در این کتاب معرفی می‌شوند.

مصحح محترم، زحمت بسیار کشیده است و این اثر را تدوین کرده، با شکلی زیبا به چاپ رسانده است. او اطلاعاتی را نیز به کتاب افزوده: یک شناسنامه برای هر بنا ترتیب داده است که هر خواننده بتواند اطلاعات اجمالی درباره بنا را پیش چشم داشته باشد و با یک نگاه، از سال ساخت، وضعیت، نشانی و علت نامگذاری آنها آگاه شود.

در پایان کتاب، معرفی مدارس از دیدگاه سفرنامه‌نویسان، به

اصفهان دارالعلم شرقی؛ مدارس دینی اصفهان، سیدمصالح‌الدین مهدوی؛ با تصحیح، تحقیق و اضافات محمدرضا نیلفروشان؛ چاپ اول، اصفهان: مرکز اصفهان‌شناسی و خانه ملل وابسته به سازمان فرهنگی و تفریحی شهرداری اصفهان، ۱۳۸۶، ۳۸۶ ص، وزیری، مصور، جدول، ۱۰۰۰ نسخه، ۳۵۰۰ تومان.



هر شهری در طول تاریخ، لقبی یافته است، و یکی از القاب اصفهان، دارالعلم شرقی است؛ چراکه از دیرباز تا کنون، جویندگان دانش از راه‌های دور و نزدیک برای آموختن دانش به این شهر می‌آمده‌اند. پدیدآورنده نیز از همین رو نام کتاب خود را که به معرفی مدرسه‌های دینی اصفهان می‌پردازد، «دارالعلم شرقی» نهاد است.

مرحوم استاد سیدمصالح‌الدین مهدوی (۱۲۹۴ - ۱۳۷۴ ش) از اصفهان‌شناسان و سرگذشت‌نگاران معاصر است. مشهورترین آثار به چاپ رسیده او در قالب کتاب، عبارت‌اند از: رجال اصفهان یا تذکره القبور، مختصری از تاریخچه محله خواجه، تذکره شعرای معاصر اصفهان، تاریخ سامرا،

همراه تصاویری قدیمی از اصفهان آمده است (ص ۳۳۲-۳۴۳).  
جدولی در پایان کتاب تنظیم شده است که اطلاعات کتاب به صورت خلاصه در آن به چشم می خورد تا خواننده بتواند با نام مدرسه، سال تأسیس، نام بانی، مکان فعلی، کاربری فعلی و ویژگی خاص هر مدرسه آشنا شود (ص ۳۶۷-۳۸۲). در خاتمه، متن مصاحبه مرحوم مهدوی ضمیمه شده است.

اما متأسفانه نمایه و فهرست اعلام برای کتاب در نظر گرفته نشده است؛ همچنین جا داشت عنوان مدرسه‌هایی که مصحح بر اصل کتاب افزوده است، در فهرست مطالب به صورتی و با علامتی مشخص شود.

از همه اینها گذشته، مصحح کتاب دچار اشتباه‌های فراوان شده است که شاید خوانندگان آن را به پای نویسنده کتاب بگذارند. غلط‌های چاپی نیز اندک نیست و متن را دچار آشفتگی کرده است. ما با سنجش متن چاپ شده و تصویری که از اصل کتاب در ۲۶۷ صفحه رحلی در کتابخانه مزارستان تخت فولاد اصفهان وجود دارد، به این نکات دست یافتیم:

مصحح در مقدمه تأکید کرده است: هر آنچه در متن اصلی افزوده شده، در میان قلاب آمده است؛ ولی با یک بررسی اجمالی می توان مشاهده کرد که مصحح محترم به این گفته خود زیاد پایبند نبوده، در جمله بندی مؤلف نیز دست برده است. دیدگاه مصحح، یک نگاه معماری است و از همین رو، بیشتر اطلاعات رجالی، اشعار، نسخه های خطی کتابت شده در مدارس و نام مدرسان و شاگردان مدارس را حذف کرده است. جاهایی که مؤلف، خالی گذاشته بوده است تا تکمیل شود، توسط مصحح تکمیل نشده و به همان صورت ناقص نیز ذکر نشده است، بلکه به کلی حذف شده است!

صفحه ۲۴: عبدالغفار بلوخی مصحح طبقات المحدثین باصیبهان است نه نویسنده آن.

صفحه ۵۴: محمداسماعیل خاتون آبادی را به عنوان بانی مدرسه ابن سینا شناسانده است؛ در حالی که این مدرسه متعلق به عصر دیلمیان است و خاتون آبادی در عصر صفویان می زیسته است. مدخل «مدرسه آقانور» که در سفرنامه شاردن نیز یاد شده، در این جا حذف شده است.

موارد جزئی دیگر به این شرح است: ابتدا صورت نادرست ضبط شده در متن چاپ شده توسط مصحح و سپس صورت درست آن از متن دستنویس مؤلف آمده است:

صفحه ۶۶: «شش» به جای «شمس»؛ «بخش ثلث» به جای «به خط ثلث».

صفحه ۷۰: «سنگ» به جای «سگ».

صفحه ۷۷: مدرسه ایلچی: مصحح گفتار مرحوم مهدوی را به کل حذف کرده است.

صفحه ۸۵: «سید العراقرین» به عنوان نام دیگر مدرسه حذف شده است.

صفحه ۸۶: «به خط» به جای «به خط ثلث»؛ «نمای» به جای «نمای داخلی».

صفحه ۹۲: «تقیان»، به جای «بهشتیان».

صفحه ۱۱۶: «رقبات» به جای «رقابت»؛ «کران» به جای «کرون».

صفحه ۱۲۰: «حمام شاه علی» به جای «حمام شاه عباس».

صفحه ۱۳۸: «سیدشرف علی استرآبادی» به جای «سید شرف الدین علی حسینی استرآبادی نجفی».

صفحه ۱۳۹: «ده خاتون» به جای «دده خاتون».

صفحه ۱۴۱: «کیخسروی» به جای «کیخسرو»؛ «خاکی» به جای «حاکی».

صفحه های ۱۴۵ و ۲۰۰: «ربقائی» به جای «رقباتی».

صفحه ۱۴۵: «منقوش» به جای «منقور».

صفحه ۱۴۷: «ربقات» به جای «رقبات»؛ «مجالس امیرالمؤمنین» به جای «مجالس المؤمنین» که نام کتابی از قاضی نورالله شوشتری است.

صفحه ۱۵۲: «مسجد نو» در بازار اصفهان به جای «مسجد محله نو».

صفحه ۱۶۴: مدرسه شاه حسن را به اوزون حسن و پادشاه آق قویونلو نسبت داده است؛ ولی مرحوم مهدوی می نویسد: «اوزون حسن نیست و مدفون در این مقبره، حسن پاشانامی از امرا بوده است».

صفحه ۱۷۱: «نهرآبادی» به جای «نهر دامادی»؛ «جد شاه» به جای «جوی شاه».

صفحه ۱۸۱: «اسدعاملی» به جای «لطف الله عاملی».

صفحه ۱۹۰: «تقویت روابط درسی و اعیانی» به جای «تقویت مبانی دینی و ایمانی».

صفحه ۱۹۲: «در ملک» به جای «در ذکر».

صفحه ۱۹۷: «افراد» به جای «احفاد»؛ «تولیت» به جای «دخالت»؛ «مهرابی»، به جای «مهرآبادی».

صفحه ۱۹۹: «سالن های» به جای «دکان های»؛ «به نقل از عالم درباره ملا عبدا... عباس گوید» به جای «نقل از عالم آراء عباسی درباره ملا عبدا... گوید».

صفحه ۲۰۰: «کفرائی» به جای «کفرانی».

صفحه ۲۰۲: «فراج» به جای «مزاح»؛ «حفران» به جای «خران».

صفحه ۲۰۵: «مشایخ صوفیه خاک آن جا را تخت گاه خویش قرار داده اند» به جای «مشایخ صوفیه خاکسار، آن جا را تخت گاه خویش قرار داده اند»؛ «اظهر» به جای «ازهر».

صفحه ۲۲۰: «سپر الملوك» به جای «سیر الملوك».

صفحه ۲۵۸: «فقیه احمدی» به جای «فقیه احمدآبادی».

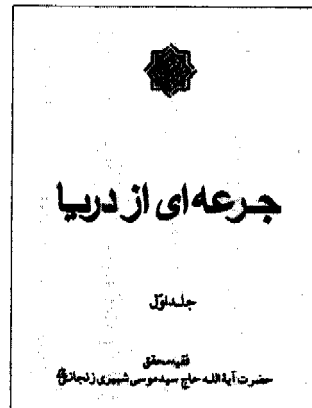
صفحه ۲۶۴: نام نظام الملک حسن است نه حسین.

مدرسه علایی (ص ۲۰۸) همان مدرسه ابن سینا (ص ۵۴-۵۵) است و لازم بود در یک عنوان ادغام شود نه اینکه در دو عنوان جداگانه بیاید.

در صفحات ۳۴۶-۳۶۶ مطالبی با عنوان معرفی مرحوم مهدوی آمده است که در واقع، متن مصاحبه او با مجله تاریخ و فرهنگ معاصر است؛ ولی ویژگی های منبع به صورت کامل ذکر نشده، متن درج شده نیز مغلوط است.

محمد رضا زاده موش

جرعه ای از دریا؛ سید موسی شبیری زنجان‌ی؛ چاپ اول، جلد اول، قم: مؤسسه کتاب شناسی شیعه، ۱۳۸۹ ش، ۶۱۶ ص + II + جدول، وزیری (گالینگور سلفون)، ۱۰۰۰ نسخه، ۱۲۰۰۰ تومان.



مؤسسه کتاب شناسی شیعه در سال ۱۳۸۵ خورشیدی با هدف معرفی دانشمندان شیعه و آثار آنان پایه گذاری شد. این مؤسسه، دو طرح کلان دانشنامه آثار شیعه و بزرگان شیعه را دنبال می کند؛ البته در کنار این طرح، آثار دیگری را نیز در زمینه رجال و تراجم به چاپ می رساند.

جرعه ای از دریا اثر مرجع عالی قدر تقلید آیت الله سید موسی شبیری زنجان‌ی است. شبیری زنجان‌ی علاوه بر فقه و اصول، پژوهش های ژرفی در زمینه سرگذشت نگاری و کتاب شناسی دارند. ایشان در چاپ آثار خود بسیار سختگیرند و اکنون مؤسسه کتاب شناسی شیعه با لطایف الحیلی، این اثر استاد را به چاپ رسانده است.

کتاب پیش رو سه بخش دارد: آثار فارسی، آثار عربی و طریقیات.

بخش های اول و دوم، مقالات، مصاحبه ها، تعلیقات و حاشیه های آیت الله بر کتاب های گوناگون را در بر می گیرد.

در بخش نخست، چهارده اثر فارسی آمده است: شش مقاله، سه مصاحبه و حاشیه ها بر هفت کتاب فارسی (ص ۱۹-۲۴۷).

در بخش دوم، هشت اثر عربی دیده می شود که در برگیرنده دو مقاله و تعلیقه بر شش کتاب عربی است (ص ۲۴۹-۴۷۹).

بخش سوم نیز درباره چهار نفر از عالمان شیعه است (ص ۴۸۱-۶۱۶).

چینش مطالب بر اساس تاریخ تألیف و نشر است. مطالب، بسیار گوناگون است؛ ولی در مجموع، موضوع کتاب، رجال، تراجم و کتاب شناسی است.

کتاب با مقاله «تبصرة العوام» آغاز می شود که نیم قرن پیش در سال ۱۳۳۸ خورشیدی در مجله مکتب اسلام به چاپ رسیده بود و با نقل مطلبی درباره آیت الله خوئی به پایان می رسد.

پیدا است که مصاحبه ها و مقالات، پیش از این در مجلات و مجموعه ها انتشار یافته بود و اکنون در جرعه ای از دریا یک جا عرضه می شود و آنچه تازگی دارد، حاشیه های آیت الله بر کتاب هاست.

تعلیقات آیت الله بر دوازده کتاب فارسی و عربی بیرون نویس شده، با دسته بندی های لازم آمده است.

حاشیه ها بر الکرام البررة و نقباء البشر بسیار مفصل و سودمند است. در بخش آثار فارسی، حاشیه آیت الله شبیری بر دو گفتار اثر آیت الله روضاتی و سپس پاسخ های آیت الله روضاتی بر اشکالات آقای شبیری بسیار خواندنی است.

آیت الله شبیری زنجان‌ی برای اقامه نماز، راه خانه تا حرم مطهر حضرت معصومه (س) و بالعکس را پیاده می پیمایند و در راه، پرسش هایی طرح می شود و ایشان پاسخ می گویند و با خود آغاز به سخن می کنند. اکنون خاطرات و مطالبی که در راه بیان شده است، از روی نوار مکتوب، تفکیک و عنوان بندی شده، با نام «طریقیات» در فصل سوم آمده است. آماده سازی این بخش، زحمت بیشتری برده است، ولی با دیگر بخش ها تناسبی ندارد.

آیت الله در تعلیقات خود بر کتاب ها اشکال های فراوانی وارد آورده اند و وارد جزئیات شده اند که چرا مثلاً کیوان سمعی در کتاب زندگانی سردار کابلی (ص ۱۰۹) نوشته است: «تلمذ» و تلمذ غلط مشهور و درست آن «تلمذه» و یا «تلمذ» است (جرعه ای از دریا، ج ۱، ص ۲۳۵). حال، به جملات مصاحبه ها و به ویژه طریقیات از آن جهت که گفت و گوها شفاهی بوده، اشکال های زیادی از همان جنس که ایشان بر دیگران وارد آورده اند، وارد است.

## نکته‌ای چند:

مؤسسه کتاب‌شناسی شیعه در راهی بزرگ گام گذارده و لازم است آثار مؤسسه از لحاظ هندسی و ظاهری نیز به هویتی جداگانه دست یابند. در نظر گرفتن کاغذ زردرنگ برای کتاب، طرح جلد ثابت، زیبایی صفحه عنوان فارسی و انگلیسی، برگ بدرقه و بسمله در همین جهت است؛ ولی باز باید در این راه کوشید.

مجلد حاضر را جلد نخست نامیده‌اند، ولی توضیح نداده‌اند جلد دوم چه خواهد بود، چه مطالبی را در بر می‌گیرد و چه زمانی به چاپ خواهد رسید؟!

در بیرون نویسی کردن تعلیقات، هنگامی که چندین سطر از نوشتار اصلی را آورده‌اند، لزومی بر ذکر سطر مورد نظر نبود و ذکر صفحه، کفایت می‌کرد. اکنون بسیاری از این نشانی سطرها اشتباه است.

تاریخ مطالب گفته شده در پایان هر مطلب، در داخل کمانک دیده می‌شود که بهتر بود با قلم متفاوت و به صورت چپ چین بیاید تا کمتر دچار اشکال کند. حال برای نمونه در صفحه ۵۶۷ چنین می‌خوانیم: «تاریخ وفات آیت الله سید محمد تقی خوانساری هفتم ذی حجه ۱۳۷۱ است (پانزدهم ماه رمضان ۱۴۲۹) که شاید بعضی با کنار هم بودن دو تاریخ، به اشتباه بیفتند و معنای دومی را در نیابند و یا گمان کنند تاریخ دقیق‌تر همین دومی است!

در تعلیقات باید ذکر می‌کردند که علامت قلاب در نوشته‌ها، در نوشتار اصلی بوده و به قلم نویسنده متن است و از سوی حاشیه نگار نیست.

تاریخ‌هایی که برای ولادت و وفات بزرگان در پابرگ‌ها آورده‌اند، گاه ذکر نشده که شمسی است و یا قمری.

تاریخ‌های ولادت و وفات افراد، بارها و به صورت‌های مختلف تکرار شده است که یک بار کفایت می‌کرد. گاه این تاریخ‌ها درباره اشخاص مشهور است؛ مثلاً امام خمینی، و درباره اشخاص کمتر شناخته شده که معرفی بیشتری نیاز بوده است، هیچ نیاورده‌اند.

شیوه نگارش نیز به این صورت باشد بهتر و دقیق‌تر است: «اشراقی (۱۳۶۸م) فرزند محمد ارباب»، به جای: «اشراقی فرزند محمد ارباب (۱۳۶۸م)»؛ چون می‌خواهیم درگذشت اشراقی را ثبت کنیم و آن گونه ممکن است کسی گمان کند درگذشت آقای ارباب به سال ۱۳۶۸ بوده است.

صفحه ۶۰۵ بیت در هم شده است. همچنین توضیح نداده‌اند چگونه روز تولد نیز از بیت مذکور برداشت می‌شود.

صفحه ۱۲۸ ویژگی‌های چاپ پیشین مقاله «ابعاد شخصیت شیخ انصاری» نیامده است.

در صفحه ۲۱۸ آمده است: «ابی عبید بدونه صحیح است»؛ حال آنکه نام‌های خاص را نمی‌توان صحیح و غلط پنداشت؛ چنان‌که در تاریخ مدینه دمشق، حیاة الحیوان، المستطرف، تذکره الخواص و ... به صورت ابی عبیده آمده است.

اشکالات به نقباء البشیر گاه جنبه املائی دارد؛ مثلاً «آلهیات» به جای «الهیات» معمول بوده است و اشتباه نیست یا «خوینی» به جای «خوئینی» که هر دو صورت، درست است. بهتر بود به جای خطا و صواب، با عنوان ضبط‌هایی که بهتر است و ترجیح داده می‌شود، آورده می‌شدند.

صفحات ۴۵۴-۴۵۷: بارها ضبط «الکوه کمرئی» در نقباء البشیر را خطا پنداشته‌اند، در حالی که به همین صورت نیز درست می‌نماید.

صفحه ۴۵۹: «صفر» خطا و «صفر» درست دانسته شده است که روشن نیست چیست.

صفحه ۵۴۶: «شعر معروفی راجع به مرده‌هاست که می‌گوید:

آنان که به صد زبان سخن می‌گفتند

آیا چه شنیدند که خاموش شدند».

پیدا است که این شعر نیست و چنین شعری هم نداریم؛ البته مصراع دوم از نیمایوشیج است.

پابرگ‌ها گاه بدون امضا، گاه با امضای «ش» و گاه با امضای مؤسسه کتاب‌شناسی شیعه است که لازم بود هماهنگی و دقت بیشتری انجام پذیرد و توضیح بیشتری در مقدمه داده شود. در صفحه ۳۴ چنین می‌خوانیم: «... نزهة الکرام، ص ۳۰، تصحیح محمد شیروانی، ج ۲، مؤسسه کتاب‌شناسی شیعه» که خواننده گمان می‌کند نزهة الکرام را مؤسسه انتشار داده است.

جرعه‌ای از دریا نمایه ندارد و این برای کتابی که همه‌اش نام رجال و اعلام است، کاستی بزرگی به شمار می‌رود. اگر نمایه را برای جلد دوم پیش‌بینی کرده‌اند، پس تا زمان انتشار جلد دوم، چه باید کرد و به هر حال اگر همین جلد، نمایه مختصری داشت، بسی آسان‌یاب‌تر بود.

و چند غلط چاپی:

چند جا عدد ۱ به جای «قدس سره» آمده است؛ از جمله صفحات ۵۲۸، ۵۳۱، ۵۵۲، ۵۷۳.

صفحه ۱۹۲: «جماتی»، به جای: جماعتی.

صفحه ۲۱۴: «صدر المتالمین»، به جای: صدر المتألّهین.

صفحه ۲۱۷: «سعیدیه»، به جای: سعیدیه.

صفحه ۲۴۵: «ولات»، به جای: ولادت.  
صفحه ۵۱۸: «آیه آ»، به جای: آیت الله.  
صفحه ۵۲۸: «نائینی»، به جای: نائینی.  
صفحه ۵۵۱: «یجز»، به جای: یجز.  
صفحه ۵۷۵: «المرجمات»، به جای: المراجعات.

و اما سخن پایانی اینکه: دو سالی میان چاپ کتاب هبة الدین شهرستانی محصول پیشین مؤسسه کتاب شناسی با کتاب پیش رو فاصله افتاده است و این کم کاری به هیچ روی برای مؤسسه، آن هم در آغاز راه پذیرفتنی نیست.  
محمد رضا زاده موش

یادداشت‌های روزانه از محمد علی فروغی: ۲۶ شوال ۱۳۲۱-۲۸ ربیع الاول ۱۳۲۲ قمری؛ به کوشش ایرج افشار؛ چاپ اول، تهران: کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۸، ۴۸۴ ص.

### یادداشت‌های روزانه از محمد علی فروغی

به کوشش:  
ایرج افشار

تهران  
۱۳۸۸

حضور حسن ره آورد، فرهنگی مرد آشنا به نسخه های خطی که از نخستین همکاران دهخدا در تدوین لغت نامه بوده، در یکی از روزهای نیمه سال ۱۳۸۷ در کتابخانه مجلس، با اهدای دو کتاب فوق العاده ارزشمند همراه بود که یکی با عنوان ره آورد حسن چاپ شد و دیگری همین یادداشت های ارزنده فروغی است.

درباره این یادداشت ها، استاد ایرج افشار نخست مطلبی در سری جدید «پیام بهارستان» نوشت؛ سپس به قصد تصحیح، متن را به حروفچینی سپرد و پس از نمونه خوانی، فهرست های متنوعی برای آن استخراج نمود و آن را به بازار کتاب عرضه کرد. در مقدمه استاد بر کتاب راجع به آن می خوانیم:

فروغی در بیست و شش سالگی این یادداشت ها را قلمی کرده. در آن ایام هم به کارهای تحریری روزنامه تربیت (بنیادگذاری پدرش از سال ۱۳۱۷ ق) مشغول می بود و هم در مدرسه های علمیه، مظفریه، فرد و علوم سیاسی که پدرش در آنجا مدیریت داشت، تدریس می کرد.

سراسر این یادداشت ها مربوط به ۱۵۱ روز است. نوشته ها در ماه های نیمه نخست پرشور و پر مطلب است و از اواسط به سبب بیماری سخت همسرش و دو خواهر خویش، دیگر به اختصار می گراید.

این یادداشت های روزانه، شامل اطلاعات دست اولی در احوال فروغی و فعالیت های آن سال ها از عهد جوانی او و نیز آگاهی های سودمندی از سالی پیش از صدور فرمان مشروطیت در ایران است. در مقدمه استاد افشار بر این یادداشت ها، این سرفصل ها دیده می شود: سرآورد، درباره پدر، درباره خویشان و برادر، درباره خود، افکار اجتماعی او، ذوق هنری و موسیقی - و اینکه او از آواز خوش لذت می برد و با نوازندگی تار و سه تار آشنایی خوبی داشته - تمدن غربی و فرنگی مآبی، خریدن کتاب - که چند بار در یادداشت ها آمده: کتاب خریدن مراخانه خراب کرده - زبان دانی و تألیف، فرهنگ و مدرسه، روزنامه ها، معاشران و پاتوق، محمد قزوینی - که از او با نام «آقا شیخ محمد» یاد شده و اطلاعاتی ارزنده از اموال او پیش از سفر ۳۶ ساله اش به لندن و اروپا در این یادداشت ها مندرج است. مقاله استاد افشار در پیام بهارستان اصلاً در همین زمینه بود - گنجینه اطلاعات فرهنگی، پایان گیری یادداشت ها.

یادداشت های فروغی که به عنوان نمونه ای از روزنامه نویسی اواخر عهد قاجار، به دست یکی از فرهنگیان عصر نوشته شده و اکنون به همت بزرگمرد این عرصه و مصحح یادداشت های روزانه اعتمادالسلطنه و بسیاری دیگر، در دست است، هم بسیار خواندنی است و هم برای پژوهشگران حوزه های مختلف فوق العاده ارزنده است.

از صفحه ۴۲۵ تا ۴۴۲ مقاله استاد، چاپ شده در مجله پیام بهارستان، ضمیمه شده است و از آن پس، چند تصویر و سپس شش فهرست متنوع: نام اشخاص، نام اماکن، نام مدرسه ها، اصطلاحات فرهنگی، روزنامه و کتاب، غذاها.

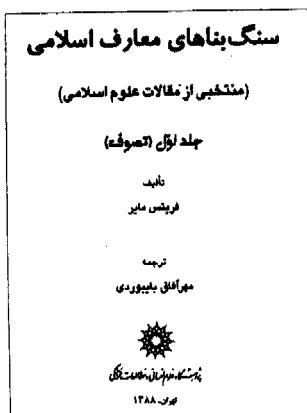
در اینجا نمونه وار و طبق علایق شخصی، به اطلاعاتی چند که از خلال این یادداشت ها درباره کتاب های فارسی قدیم به دست می آید، اشاره ای می کنم:

- راجع به دیوان اشعار هجو شیخ ابوهاشم (غرای شاعر هجوپرداز) که آقا شیخ محمد (علامه قزوینی) آن را تحصیل کرده بود و فروغی درباره اش نوشته: «من خواندم، خیلی بامزه است» (۳۵۳).

- «شیخ عبدالحسین یزدی، غزلیات داوری و قدری از دیوان قطران را نوشته، آورده بود» (۲۵).

- «[میرپنج]، دیوان میرزا ابوالحسن خان متخلق به قطره را

سنگ بناهای معارف اسلامی: منتخبی از مقالات علوم انسانی؛  
 فریتس مایر؛ ترجمه مهرآفاق بایبوردی؛ چاپ اول، تهران: پژوهشگاه  
 علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۸، ۵۳۴ ص.



فریتس مایر (۱۹۱۲-۱۹۹۸ م) از شرق شناسان و اسلام شناسان بزرگی بود که مطالعاتش را به حوزه ایران شناسی اختصاص داد و در زمینه مطالعات تصوف ایرانی - اسلامی سرآمد خاورشناسان گردید. آثار ترجمه شده مهمی از او به فارسی، اغلب، برگردانده خانم مهرآفاق بایبوردی اکنون در اختیار فارسی زبانان است که آخرین آن همین کتاب است. درباره این کتاب باید توضیح داد که همکاران و شاگردان مایر در اروپا بر آن شدند که در سال ۱۹۹۲ میلادی و به مناسبت هشتادمین سالروز تولد او، جشن نامه ای شامل تمام آثار تحقیقی اش به صورت یک گنجینه ماندگار فراهم کنند و نشر دهند. مجموعه مزبور چنان که قرار بود، چاپ شد و شامل مقالات برگزیده و رساله های پراکنده مایر، با اصلاحات تخصصی و فهرست های آن بود. مترجم مجموعه، جلد نخست را به مقالات و رسالات تصحیحی حوزه تصوف اسلامی اختصاص داده است که امید است باقی مقالات این استاد فقید در موضوعات دیگر نیز در سایر مجلدات این سری در ایران منتشر شود.

جلد نخست، شامل این مقالات و رسالات است که برای هر یک توضیحی مختصر عرضه می شود:  
 - پیشگفتار ناشران کتاب.

- یادواره ها: نوشته ای برای رودلف چودی (۱۹۶۰ م) استاد مایر در بال سوئیس، و نیز هلموت ریتز (۱۹۷۱ م) استاد مایر در ترکیه و آلمان؛ نوشته خود مایر.

- فصل اول: رقص درآویش (سماع). مقاله ای است در پنج بخش و یک تکمله از مؤلف درباره زیربنای سماع صوفیانه به منظور شناخت پدیده های اصلی سماع در دوره های نخستین تصوف اسلامی.

- فصل دوم: در آداب و عادات صوفیه. ترجمه و تصحیحی

در نهاوند پیدا کرده، استنساخ کرده بود، نشان داد. چندان نقلی نداشت. از قراری که حکایت می کرد که این شخص در خدمت محمود میرزای پسر فتحعلی شاه بود (ص ۱۳۵-۱۳۶). سپس نقل حکایتی از محمود میرزا و قطره. گفتنی است این قطره با قطره چهار محالی اصفهانی شاعر پرگویی عصر قاجار و صاحب شمس التواریخ که او نیز از قضا از پیوستگان به محمود میرزا قاجار بوده، فرق دارد. قطره اصفهانی را دیوانچه ای است که در حال گردآوری از روی منابع خطی می باشد، به همراه نسخه ای از دیوان، در یکی از کتابخانه های خارج از کشور. مدایح او در وصف اهل بیت بسیار است و او خود بسیار پر شعر.

- آقاسید علی معلم پسر نظام السلطنه آنجا آمد کتابی در دست داشت که جلد ایرانی خوبی کرده بودند کار آقا عبدالمطلب.

روضه المحبین ابن عماد بود، ندانستیم ابن عماد کیست. لکن اشعارش رقیق و خوب بود. تاریخ تصنیفش هفتصد و نود و چهار، و تاریخ کتابتش نهصد و هفتاد و هفت بود؛ اما خطش چندان تعریف نداشت. متجاوز از هفتصد بیت بود (ص ۳۲۵). ما اکنون نمی دانیم که ابن عماد کیست (ر. ک: مدخل او در فرهنگ سخنوران و دائرة المعارف بزرگ اسلامی) و نیز آگاهیم که روضه المحبین (ده نامه) او تصحیح هم شده است.

- پدر یکی از شاگردان، یک شاهنامه خطی به مدرسه فرستاده بود. تاریخ آن نهصد و هشتاد و هشت بود؛ به خط نستعلیق با تصاویر سبک چینی. واقعاً این تصاویر خیلی چیزهای قبیح است، اما کتاب خوب نسخه ای بود. جلد خوبی هم داشت. محقق الدوله گفت صدر و پنجاه تومان می فروشد. اگر به کار مطابقه با نسخ دیگر و تصحیح و تکمیل شاهنامه نخورد، نمی ارزد (ص ۱۰۳). از این ماجرا به یاد نسخه شاهنامه بسیار کهنه ای افتادم که در آن سال ها در دسترس فروغی بوده و مرحوم دکتر ریاحی وصف آن را در سرچشمه های فردوسی شناسی کرده است.

- «باری اسطرلابی که پار سال خریده ام، به میرزا اسدالله نشان دادم. گفت خوب اسطرلابی است... خلاصه میرزا اسدالله کتاب گنج شایان و مقامات میرزا جعفر را می خواست که ببرد استنساخ کند. آقا قطره زدند به مناسبت معجز خنکی که در روزنامه ایران از حضرت عباس نقل کرده اند» (ص ۲۰۴).  
 در این زمره باید منتظر کار جدید استاد افشار در بازچاپ خاطرات اعتماد السلطنه بود که با تصحیح خودشان بناست توسط انتشارات امیرکبیر چاپ شود.

کریم کتابیار

از رساله آداب المریدین نجم الدین کبری است که از روی یکی از نسخه های ایاصوفیا مورخ ۸۱۶ ق کتابت شده در شیراز، انجام شده است. به تصریح مایر در «الحاقيات مؤلف»، این رساله بعدها در ایران با عنوان آداب الصوفیه بر اساس شش نسخه خطی به اهتمام مسعود قاسمی چاپ شد. مقدمه او بر رساله نجم الدین کبری، دقیق و پرارجاع است. نسخه کهنه دیگری از سده هشتم یا نهم قمری که بعدها از این رساله یافت شد، در کتابخانه مجلس به شماره ۱۲۰۱۳ صفحات ۳۲۵-۳۳۴ موجود است. تصویر نسخه اساس مایر نیز در ایران وجود دارد.

- فصل سوم: تصوّف و انحطاط فرهنگی. مقاله ای تحلیلی است.

- فصل چهارم: خراسان و پایان تصوّف کلاسیک. مقاله رساله ای است تحلیلی.

- فصل پنجم: زندگینامه احمد جام و مآخذی درباره دفحات الانس جامی. مقاله مفید و پراطلاعی است درباره منابع بررسی احوال شیخ احمد جام که تا آن روزگار، بیشتر به صورت نسخه های خطی نگهداری می شدند.

- فصل ششم: رسالات عزیز نسفی. رساله مفصل و بی نظیری درباره آثار عزیز نسفی، صوفی سده هفتم است که تحریر متعدد دارد، و مایر به نسخه های خطی آنها مراجعه کرده است.

- فصل هفتم: ترتیب السلوک قشیری. تصحیح رساله ای چاپ نشده از عبدالکریم بن هوزن قشیری، صوفی برجسته سده پنجم است که بر اساس سه نسخه خطی و منابع دیگر، با مقدمه ای ارزنده عرضه شده است. از صفحه ۲۵۴-۲۶۴ که متن تصحیحی رساله است، به صورت افست در این مجموعه قرار گرفته که بهترین وضعیت است. ترجمه آزاد رساله عربی قشیری به فارسی هم با استناد به ترجمه آلمانی مایر در ادامه، آمده است.

- فصل هشتم: دستیابی به یک نسخه خطی مهم صوفیه. این مقاله تفصیلی، در معرفی نسخه بسیار ارزنده خانقاه احمدی شیراز، از سده هشتم است که شامل بخش هایی از آثار صوفیان متقدم ایرانی است. پس از اشاره مختصر ایرج افشار در مجله یغما در معرفی این دستنویس، مایر با به دست آوردن تصویر نسخه مزبور، تک نگاری مفصل حاضر را راجع به آن نوشت. این دستنویس بعدها مورد استفاده نصرالله پورجوادی هم قرار گرفت و او رساله های ابو منصور معمر اصفهانی را در آن بررسی کرد. رساله جدا شده ابن خفیف از این مجموعه را فاطمه علاقه، در مجله معارف تصحیح کرد، و ادب الملوك راراتکه،

شرق شناس اروپایی تصحیح و نشر داد.

- فصل نهم: مکاتبه ای بین شرف الدین بلخی و مجدالدین بغدادی. تصحیح متن فارسی مکاتبه ای است بین مجدالدین بغدادی، صوفی کبروی سده هفتم و صوفی دیگری، البته ناشناس از همان عصر. این مکاتبه در نسخه ای که به شماره ۱۵۸۹ در کتابخانه کوپرولوی ترکیه نگهداری می شود- و تصویر آن نیز در دانشگاه تهران موجود است- وجود دارد که از روی همان نسخه تصحیح شده است. مفاد اصلی این مکاتبه در مقدمه مایر هست؛ از این رو از ترجمه آن به زبان آلمانی / انگلیسی چشم پوشی شده است.

- فصل دهم: صمادیه، شعبه ای از فرقه قادریه در دمشق. مقاله تاریخی و تحلیلی خوبی درباره یکی از شعبه های فرقه قادریه (اعقاب عبدالقادر جیلانی) در صماد سوریه است.

- فصل یازدهم: رساله فراموش شده طاهر صدفی درباره اولیای مغرب زمین در قرن ششم. این رساله یا مقاله مفصل، درباره کهن ترین منبع شرح احوال صوفیان و اولیای شمال غرب آفریقا است که طاهر بن محمد بن طاهر صدفی اندلسی در قرن ششم آن را نگاشته است و الدر المصون فی ما اکرم به المخلصون نام دارد. مایر رساله صدفی را از کتاب رجالی دیگری از سده هشتم هجری که نسخه خطی اش در برلین نگهداری می شود، استخراج و اطلاعاتش را به تمامی عرضه کرده است.

- فصل دوازدهم: موفق خاصی؛ نویسنده ای که ناشناس باقی مانده بود. در این مقاله کتابشناسانه و رجالی ارزشمند، کتابی از صدرالدین ابوالمؤید الموفق بن مجد / محمد بن حسن بن ابی سعید بن محمد بن علی الخاصی الخوارزمی، از مریدان نجم الدین کبری بغدادی شناسانده شده موسوم به السلوة فی شرایط الخلوۃ معرفی گشته است که در ضمن، دیگر آثار او که ناشناس مانده بود نیز بر شمرده شده است.

ترجمه این مقالات و رساله ها که سرشار از نام های خاص و اسامی کتاب است، بی تردید مستلزم بررسی های دقیق کتابشناسی برای برگرداندن نام ها از آلمانی به حروف فارسی / عربی است که مترجم از آن بی اطلاع بوده است. او حتی کشف الظنون را بعضاً به کشف الزنون برگردانده که اشتباه بسیار فاحشی است. ویرایش پیش از انتشار این ترجمه، توسط کتابشناسی نخبیر و آشنا به منابع رجالی، امری ضروری بود که از آن غفلت شده است. اشتباهات چاپی و تایپی نیز دامنگیر چاپ ترجمه این جلد شده است.

کریم کتابیار